يوميسسيه	اول أصلاح التظاّدسية (م جسالي الول		
(٨) وجب المرحب ١٢٤١ (٢٠) قوريه ١٩٣٢		۱ شلبه ٦ ببرج هوت ١٣٠١		
ت، بالسجد. والمبين روؤالمذاة بمقوله ، تفاريحاني الزامي كنين از سال لمبيطون محمد به ع ، به م ، به م وجد المنتزمان التربي التربي التربي التربي التربي منه مالعالم معامل مالا مع	sulpris alles - the interaction of the liter	صاحب امتياز ومدين مستول و داورستايند. قار الشو رای ملی		
and tille have in land along and all more in the next of the second in t	Le celie 13 in the state of litely of when	المرالي ها ملق عملند سرارتيلا كل مستول ها دندية الدين ترين علق حصله داراي		
	The law - all in - all	ان من منظم بود، و شان بنایا و ۳ در دن ، دندیا به ان نصح و نه نقط بلوا مسلم بلینه علی و با مواد ان مانت مایای شد. باک مستو بکتران مردمان ان کارت مان سال منا		
المعالي	No interest in the start will be the set	الملحة جفارم من المراب ، م المراب على المراب : طهران خا فان علاء الدو له		
المدارية المعالية المالية المحالية المحالية المحالية عامة على المرت المحالية محالية المحالية المحا				
ود الله و الرو دام مالالت من الور معادر من المعالي المعالية عن المالي الم المعالية و المالي الم المعالية و الم	مان بالمان الم عبد عليه الم الم وزارت سياست ورجا رجه بياي بالم	en lied allers when a were and his li as a mailier and an		
روكرام فواعدام، كالنينة في تشان الى ويعني. به معمداد على الديمة رول، عداد،		الما ما مع معاله المهروزر ما مااور فال ٢٠ ، ١٧، ولى جد ميتولى الراهم الا تابلي تنا		
که راف دولت سالسبن طود - را میفنه وفظه تغییر عده کمی اینا او شنه الله که سفات ز را می ادهه کلوسی بند از الفناسله ختر- اموق بنار ویل، اخوب را جرا بمسابقه تمیکدارید ؟ جواب ما	filmin take the day that a state to be the	(جليلة معاد التي المب كر آلجد محدورة - دولتها سيت الزان كتب الد ما حيين ال		
حقواني المخولفد المورية بمدينا صورا الطام محقيط لي المنتين المنتين المعالية منالي المعر والمربية الملان	and and in the	حکومت آود روزه شده _ ۲مام آن اعمال عدوج داریجا رود) خاط جید رشده (سخبت این میکنیم و کمی انگر ده اد = آز		
به چنین سباستی اصبت مواجد وارکم بزوک موال اخواهد شد .	10 months - Kaller to the destinant by	ان اين جايت البيت منا عياسية الما تعدة إلى مردم شنيد و اند كه حكومت فلاف		
- Let Sales and in the state of	الدراد شده اما جبر من دهد " الديدج ج	المحالية والمابعة ما إن البلك في البلجة در المحزب و دخبته المبلجة وطالع وكال بيوريا		
المدل المدلة المدار من ما من المدين من	رئیس الوزرای سابق انگلستان - حکومت ا	وري تدريع هي جومي من من من المر منكن الله والاحر م ديدة الد اعتماد شان		
من قا تو ف استخذ ا م معلمين متسار رجاء ملين مترا موري ما وروسطه وار وروسطه بوري معلم وروسط، معلم وروسط وروس	(بفاولاو) را کانست بندار می بعد ویدار ن فاولاو) را کانست بفرانسه قیهاالات دوستی ن محسوب شاه محسوبی ملوم و التقاد قرار داده ابراز کرد . مورد حله و التقاد قرار داده	امالي عيوي و اجما يود ؟ رقع رت المدان بوذ الم المعال مال المالي عليه و الم الله المعال مال الله المعال مال الله بي ريط والماس بوده - امروز وعده		
ليدي مان	است أين حله بأيدمارا بالتلياء ببلدازدغرض	م به المجنور من معدية به منهة منهم منشل و قول هميجكس دررلنظا و علمه مو ثق		
اس متجاوز الميت ورلا أقل وتبوسالي زور المحمد الجزيب الجنه بعد الخد دو: ما ولت بعد	ماشقا چاری بالده ما العدالی شد ما معامی وا با لاوید جرج قدیم رویه دولت الکلیس کست			
متنول تدریس اود. اند باید از ا.: «ان ساف طبقه علکن «الد = اوی ایران» دو باجی سبر میب»: شوند ولی کساذیک کمتر طاز چنجسال به معامی ملتها بیجا میلتو ناند کم کلته کر حد بودان از		م حوت وبه تاللا نيا به - ت - ت - ت الم		
شوند ولى كسانيكه كمتريط: ينجسول به معامى الملنها يحجا مسلقو نادكه تكتبه للمسجد ببودان. مناقال داشته إنها في بي يانها لمهلك أداد تا در المسلمه المليه ا شلكيت غ استدار الدقوالي المعامين.		محسب وحكم جعلت بل لا عره ميد ، دانج و ، بسف، كارد الله يكر د تا المعند		
للرف دوسال معالبتى بروسيكرام دارالسامين المدور شلكي ديه ؟ بالمحادن عو مداولي فوسله بد	معطاقر المؤهل كالايس الواوراب الأود سيشد ا	شد - ممكن است فردا بعر من مجلس النها عله جزف العابث ودوب مدد الم فار		
متحاد داد. محليكا. معارج إخذ عالاند . الم تربت مبشواد يوجوه بالخب الاسام إخطيه	مرتبه اعلام کرد که آلیان قدر آبه تعاکله ا خرامات حبت و رایاد آلایزان بیدازد . ولی			
ب- بیش بیزولک دبیکو طبیع قلون به بیش المت ، زیداد ، رضاعات مید الد مین داد بادیابلینهند کم بکود سابلد روازد غیرالدامند و مد باهید ایا اعلم، معلی استرجه رویباید	لكتى إي كماده، خلق إيجاب توجد الجت ابن .	the second		
د. و كرا مراي نوان. ميجولات تاراسي. او دوم دمالة بداري المجان بداري المجان و المجان		المعاد عاوا يع، حلت متا "متونيكر المد بلد، فدم دروام الملاح بد ولمتن		
كر لدوله وواله اجهوز مع غير المسعور الملتظ ، الداولي عانه ورستف والماعة ميداني طابع و		ولى بلديم بن ب ترامدك ويعرب بن بن بن بن بن المرك وعدم بالم وزالة من بن بن الم وزالة من من بنا من بن من بن من ب ولى بلديمي است - صد ف وعلم ماله مال الم الم من		
ماطليزان ريمندفر وزين مسريرشية مر آذريانيهان ار او مغدا بار مجان مطوور وا ميلاية بالكريس : شهدهم مكر بازرونيه ميترجه الين عنتنان من المستعن الذي المنه المراجع المالية المالية .		ill darks min & J ching This ale has lithered a section of the section of the		
المحمد والمار في المار المحمد ا	برای قسم این جله با بد یاد آور شوید " مسته مقرعات کان در کنور است و در انطاقان ا	هواته ميج بدوكراخي برانى يزفع - ، ، ، ، با بعام ، كم مالياصلا عي الشد م.		
و قانون موادی برای مملمات باغالود بالدرد و است ای او به معد الله معد و است معد الله المعد الله ا	و غرالين بوديواه و جيگوه کاله، کان دار	المحف المنافع العد مند كالبنا لله تحتى المركن خل فارد مركر لم مارك ملح بالمرك الم		
الها، مياهيم بلاسكنده جي وزيمين ميكند مي	ابت خواجة وعوامي محمد المرجد وحمود	المعالية ليهادا بابن وسيله راضي ارا حرف تصور لند - ولى ليست		
a the attender attack of a date (contact lives and it and a state in a live in a state in a live it and it and	باقری جاند ما علن بد . بخت آن از ا علمه ا	weight all all all all all all all and and all all all all all all all all all al		
با الكور المرجعة فالمسبع ويدارجوا متوسط و المحال الت دو علمة بعدة تله بعد	بالمنفر السم اليني فيثنها درا وه المنتظر دراون	ت طلت ملال ایر ان شاکه ۲ است ای بکوند (از بن قبیل مجرف ها بسیار		
اليان المستدم، لا ألى بديارس ايتداعي ذناله . وديمت وليك للدلوات حد جنبي ايتداعي ذناله عبلس بنع ساعت تطع ان ظهر عد قبيت .	مروف دو اوس الكليتان ان ان او ميرسد براى			
ماريمين بالملطان وهي جنبها ايستان ومعنى المعجمين بن بني مايي ماجي عليه المحجمي ومجتوعة	تستایه (دیرمی) چه نیزاشامی کلید، ج (within a standard in the second and		
	راین مسئل دی جنبت مقدمه مداخلی اکلیس در ساست فرانسه در (روم)	ورويه بعد وحق به حرف ورويس المات له المات المالية المالية المالية المالية المالية المالية المالية الم		
عل عو شوند موجود نهبت و باید برای . از ها حان تر بیانی که در قانون استخدام از ها حان تر بیانی که در قانون استخدام از ها مان نیز بیانی مید . مان ها مان نیز بیانی مید .	می باشد ، تظیر این مسلله عکن است به	and a state of the second state		
متحالين المكلم الراعي والمواشنيان المتلح والمحد ورج مي شودان عاده سوم مطر يوعاده ال	رودی در امریکا دیـده شود . علاکم و ادارانی که ما را دارای این عقیده می کند	a to be a start of the start of		
وشت : در ممالك زوبا و أسباط خاد روبن المطعم في المت عد جس ال مخصر عذا كرابي ط	اعلامد الم المطلاح ام المكادرا - مامرد			
معلوق، معادين ودعيد لمان مواجولا، اندن عدينه بيك اصلاح در مدد جهارم و يك اصلاحد اواله كيت ان معلوم المقاق، ممان آرمن الد	المجهوري امنيكا الجاس سنا است كم إغاؤت			
With the second second where we are a second s				
به بودنوه مارفه به قاران ارت عالی کوزارت از به مرد در خور کی هم قدری مدافره	ولیس الوروای سابق مراسه مسار اید مر ملافرت المقر خود امر بکا اطهار داشته به د	باور مربعتها باعدتني بكنات معطوك : اماسي مجرداختن بجزئيات . شد هينچيك از اين الحرف ها صور ك		
مان الدينة عامية منهم المربع (يس از كافي بودن مدافرات الم تمام قاون "	The service dec - the and a side the de	المن ميچيت او اين حرف ما صورت		
شسه اقیصه دیاکری که دو طبرح پشاوادی ملاحظه بخیتورد این ایت که ایک دسته از کل و مجلس بیرای قانس تعطیل و ایس از کلس	كلد تا مسائل و مسلات أن بزودي حلو	the second		
محكان الداري في الحات الم تحديات الم تحديد عالم المرادية عالمة آ تبة (المروز)		الروز کار بجاعی رسیده که کمتر ۲۰۰۰ دولتی که از این سبک نتزسیدو این ۲ کس بوهده و مرام قانع میشو د و دل ۲۰۰۱ اون ژا ننیبر نداد ـ ول معطل است		
کمتر، از مدير و معلم آيديت از انفار محو " سه وربع قبل از ظهر خواهدبود "	والمعلمة إلى المروري المواد مي توقد المالية	the state in the second second in the second s		
A AND A DECEMBER AND	درمان تیام درد های مار را بموده کر به درمان تیام درد های مار را بموده کر به	می بند د		
وحال آنکه مداخر سما ماند مدارس ارلوبا بسر ماده اول – اداره مینوان خزاندداری از زمایی کهدران مملکت د دامیس شدهدارای با قل در وزارت مالیه تشکیل خواهد پانت.	حاضى الصابح با -ا ير ملل در إملاح بهودى ال	I had see a find she hand it is a find that the see I share all at the		
الظم بودمانات الشايدة مدارس المداري جاني ماد دوم - رئيس إداره خزالدداري	آنيه اشار شهرگت کنيم.	اقاى مستدفر ابن غل ما الصد ت ا		
چهارکلاسه از دوجود لاظم مستغنی باشد ولی عنوان خبرانه دار کل را خواهد داشت و	الهريزين الهجارات قوق خلى مهم المت زيرا .	ملتى كه المراد أن هنه از هم از هم از دارندو، بجائ غرق شدن درحل مسائل		
مدارس شم کلاسة غير مجاکی تحد مدارس ، در مدت حکنترات ، منقد. این دوات ، عابه		ظنين با شند يشه احتى قول وانسى ، جاربه مم خود را مر ف الملاحات		
لمتوسطه ب أمدا رس طلبه أي توا نند بدون اليرانودكتر (١٠ ت ، بلسبو مورخو ٤ إيد ١٣٠٠) الظم الحارم شوند برقية (به بدن) (بلغ، الجزانه. دار مقاود يكسنفر مستخدم ماليد أمر بكاني مذ		محمومت حود را باور المند و پرترامش اقتصادی میکنند .		
ماهم الماره مولد و به در به در به بین الم بین الم دار می و د یکسند و سختهممالید امر بکامی در در قرابه، مداررس متوسطه بزرك یك از خواجهه بود که از طرف و یشق ال مالیه تمیین		را جرف بداندم بدبخت و سو کردان می این می در داور ب		
he all the second se				



ا المرد ازاد کا ا

جواب هنتم

البانه اجازه ميدرمائيدك، قيل از شروع در موضوع تشكرات قلبي خودم را تنديد حموم مديران مجترم خبراقد محكه بي بحدايق برد. غركت نسوان را درحيات اجتماعي لازم دالسته الد و در شدد ارق و تشویق ما طابغه موافت بتر آمده اند اموده سیس عقیده موت را بدریسم می فیرماگید شوه، خوب گدام است کا می مدینا می می فیرماگید شوه، خوب گدام است کا خود را يلويسم

شوص خوب با قلوا ا.بد قاب باك و بى آلايش هُرَ زَبْنَ وَا بِيغْرِ مَا تَبْد ا الا به فارد الوي الم الماد بالجديد : المستخدم الم الم جاأتيچه بمضيها عقايد خود را نوشته اند منهم ميكويد تصور ميكام توضيح اين مسئله از قوحال خارج نباعد : از قوحال خارج نباعد : اگر برای زن بشخسه را سقوال بفرماقید شوههی حوبست که فقیر یاغلی بنزوحه خود المجب و عدق دادنه باند الم الموسعة المستوي الم المعادية المعادية المحافظ و المعادية المحافظ و المجود أبن كمود بزركتر الأستمه كوابي هما المت المحمد المعالي بالمعالي المحمد المحم محمد المحمد المحم المجلين مردى براى ذن شوهم خوايست وبرا حق المقدور در حمه طور آسايش وى دا فراهم أموده و مطبع إواميش مبيا شد الكر حوما بذرمانيد محيض ميكند يك مرد حوب بعن مردى كه نبكو خصال خواندرد فروتن بلند همت إ نقوت متدين سليم ملايم شاكر سمامف تابت قدم كاركن فرمدت كردار مادق شراهملد وظبقه شناش و وطن يرست شربيع شده الم الم بالاخرام متسق به كلية مقات حسته وعارى از هي كونه خمائل زشت باغد شوهه فواى المت المحاجة شوالمزيد أب ملحة المحادث المحادث والمحاد في المحادث الجواب المشتخر

شوم عرب ! آ، شرم خرب ا ج معهای لاینحل ا جه طلب مهم با ج موضوع معلق اب جاوت حلکی ا

طوبی شوم خطور کرد. است ۲ شرح محکیمیا در کتابوای افساله دیده شده و شاید غیر الل قبول نباشد ولى شرم خوب . آرى شوم خوب ا این دو کلمه چه مناحیت با یکدیکر دارند د اگر خوب است شوهرش چیت د و اگر شوعی است خوب چه مناسبت دارد ، واها چه پد بختند نسوان ایران ، المعداني علف شانزده سال " آلتاب مصروطيت طلوع كرده هزار ها روز السامه ومجله متند شده مه مساها و جه مسابته ما که نرای تاثیر کردن افکار هاره لوشاه شد،وهیج اسم ال محموان برقه عشده إينك كه خوشيختانه لمقابل بر لمو. اطف آمده هنق برسرخا هماكدارده مسابقه بالم آلان ملتقد بموده الدرجة مسابقه ؟ شوهم خرب : الم الم و المنبوس بي يكنه كان لرسدتكر صدحهار عميق - بيجارة شون - طاكدام الكر وباجه زيان و يانى د اجديتوة خلرق العاد، ميتوانند ظلميت را با نور و آب وا يسا آش **حوب را بابد بلتوجو : رابل خوب شديه كند** و مقاعی همپرایششرح دهند د کان میکندمقدودآقای داور ازاین مسابقه فقط امتحان از هوش اسوان بوده که ایند آیا هیچ زنی هست ملغت مسئله شده باشد که دوهروخوبی را مکری ایست یا یکدیگر تنیه و توام خمود ؛ و چون میچکس بخوس ینده مراد این مساله را نکرده و فخواهد کرد واضع است که هم سه جابزه بهبنده تعلق خواهد کرفت بنده هم یس از دریافت جایز. ها برای آرادای تشکر عتیده طود را باین طریق اظهار خواهم آمود م عوم خوب آنست که خودش را دان زنش بخواهد نه زن را برای خودش »

بالبات غير مشتقيم وغا اسجات بدون عات ا ثقل خودجوت ا يتجادمل خالى براى إجزا اعضاى مالبات مستقيم منفصل اخواهد شد 🚺 🗕 هم کر ع خما د ت و سو ء أحساسي كاتمكن است مثل سأبق درميا ن اعضا ا اجزای دوالمر ثلاثه اوق وجود خارجی دائته للبند إز لقطه نظر متالع مقتر أك بسايد محو و متروك شده و اگر بیست فر از اعضاء و لو این که شخص د پرهد یاشد اثر و بج الحسادق فأوع احساس برملشاء عمايات رسمي ألحوها قرارة هد بالملبه كسي كه ازتكاب بجوم أدارى كوده است بسا او رفنار و بفوخية مادم ١٢ از. قالمون استخدام با مشاير اليهمامله خواهد عد لذا كايه افراد دوائر الانه مُذكوره در فوق با مد با كمال اتحاد و صديديين با يكد پكر راتار تدا وند ۲ ب وزارت مالیه انتظار داردکهکلیه أفراد قايعه خود كال جد جمد ر) در خلو حکیری از قاحاق و جم آوری ما لبا ت میذول دانته و از قاچاق شدیدا نما نعت ر مامودين تحديد ترياك و مشرو باتودخاليات أوانين راجه بدواأر مزيو ررا بابد بموقع أجرا بستكدابته و هركس بطور قالوتي و مطبوع وإبرطاق نظام نامهای مربوطه در طی تنتیش ملبوريت خود ايوال مموعه متبط وتوقف فما يلد يجتق وفلاهرات وفارت ماليه خواهديدو

.... احار واطر Phillippine and the second second سرخی 🗕 جند انی تیرکان مروی چون این که پیمکرمت سوخس ووس مهاجه كننه بمرخرابران آمد ملتلم متدك و چزار و شیعه کرمند آنها دا بسرقت فرده الد ورد كوسفند ما را تادمة قروبان آورده اند مراتب را حکومت بعرکز رایورت فاده است . مماق - مدنی است عارج اداره هل وأنفل دواي ارقبيل فيست عليق حقوق اجزا وغيره مرکز نرسیده اغلب مال ما از کر سکی ف می شوند و وشته انتقام ادار. من ور للعي كمبيخته شده است مديران إداره استمقيا ale le de la constante de la constante و چند برع است که حترق اداره

احکومتی سے او ایتیہ سے او قتابتہ امرسید او غلب آزانها بواسطه الرسبدن حتوق بتلكراف خابه آمده بااهنده شده "الدّ

إهما ما خليمان الد فراش كا سالها است مزدی مشغول میباشد در روز است حبس و بلغى مال مسروقة از مشار البة كرفته شده L & C & Star Market Barrier خوار – چند روز ایت قریب منتاد فر از سربند و مساجرین خاصجات بخوار آمده در تلکرافخاله متحصن شده اظهار ببدارنددو سالاست بوابيطه كسرعدل خالصجات ت سدمه إز طرف ما مورين ماليه بم سیده و هست ما از بین زنده مدنی است جندبن للمر معايلده يعامهران فرستاده ليمكس احقاق حق نعى كلد تغاضاى رسيدكى و ا حقاق حق از طرف دوات دارند وخود ان هم تلكراف بمقامات طالبه تظلم :مود،الد جون موقع زراعت است سزاوار استزودتن جواب آما داده شود

اف از سمنان الكراف از سمنان

موسط آتىداور فالد، عرم ساحت اس مقدس كيه رياست وزراء خظام در منعمه تعديات ده ساله اخراقة سكرى متحقق و شکایات سه ماهه وزارت داخه بدوا اهن به کسیون رسیدکی در مینان بعد به احکام بةواهره ببركراحظارش تمودند عابتا فير معاري بدون مواجفه ازم کی با اقتبارو تسر به سنگر از سللا مراجبت بد بدينا الج سجد لدارمامن هدي خود حران الكليف امر وي وملي ا له البد الركز اكردر ابن علمت موضيه فرطعان البت المرحاما استدهاداريد عوض ومتحالوك الا جمین ۔ آتا محد تل ۔ محد علی ۔ مرجان سیمون نیزمذاکراتی در زمین موافقت

المارغاره . ناحيه روهر

ا بران ١٩ - جريده لوقال أنزيكر) لَحِتْيَنِ الْحَلَاعُ مَعْدَمَدْنَا وَجَوْدُ أَنِنْ كَمَوْرَاسُوَى ما غدمن كرده بودند كه وزراى المان داخل لواحى اشغال شده تشولدممهذا وترال كريتر وزير را، آهن هاي آليان أخيرا داخل اروم شده و باحال را. آهن راجع به تصرف قساني أزخط كه در منطقه الكمايسي وأقعيبوده است مذاهمتكمراني عمل آوردو منبع تسميم كرفة. شد كه مانلد سابق منغول كار باشدولى معلم أوامي فراأسويان لياشند و هم جنين اساور بك) وزير داخله پروس اخيرا به تاحيه رَّزِهُمْ آبد وَ أَيْطُورَى كَم مَطْبُوطَت قُرْائَسَه إشعار هي دارلدو ارال داوت) مشغول مطالعات الت که تهر ه نی که محرماله وزرای آلمسان وأرد شده الدجريمه محتديا بطربق فيكرى کیدہ قمایلد [ر]

لدن ١٩ - امروز در على بدوتان مذاكرات شديدى بر عليه دولت جروانداغت و برأى إولين دفعة إز طرف أحزاب متقركة آزادى طلب غربك از طرغدادان الحويت وطرقداران لوبدجرج بوذعام فاقت فرخطوهي خطابه کاباتهاه انکاستان در ۲) فور بعقرات المؤدم بود أقراشله شد فذاكرات أميؤز در اطراف مناله رومو) بوه و لوبد جرع له از ناطنین مهد بود چین اظهار هاشت که داشتال ۲ هونه زوهی کمربه شدیدی می باشد مبس شمه از احدان خدوت التلامات شعب المان المان نومية حنين كنت كم 3 المحمد ال إسال غرأمات ابن اقدامهادوت ورزيد ولنتجر المر مترور في "كم عليا الاوضيات كيتن "أو" أليه البراعدمرابراي دبلان موسيه بوزارت داخلها منام الم المرالتوي جاعموز عي كموداد عدت وطا كاب بطور ازش به مدى يا قرك ابن تعلكت] كرد. است وقت المائي كه قا حال قروزار ع تبين فرمانيد كه ديكر كادر به عمايين المور خارجه فرانسة ترقبت هاده شفه بود مانیه خود. ایستیم ایندهای جواب فوری ایکمرتیه خراب شده ایت فتحسنين مسجع المطالبي جلين - محدوضا الم يس از اين مذاكرات هيدرسن) و جبار - آنا کوجك - خلام حبيب انة - انبوده و از ينارلا فغاضا كردند از دوك . كاظما عارجمين جرعلى أستر المراجر قربانيل الحرانية جريحا ستوال إليابد كه متصود آن أتا محد المسيد المربع والم والم الم دخول در ناحيه دوم جه يوده و

درند، دندان ما وا، بېكديكر مى سائېد و يا ما ترا بر 🚽 تخلس ختن ما جندن ما جنون بخاله مراجعت 🚽 داشته باخته و به امريكا صيافرت كرد. است 🖓 من خص تزديك بود از حدته بيرون آيند . ملسل من كنت : إيان . . . ، أورا خذ كرد. بودند . المود، كان من كردم كه عشق من و خيال انتقام از لوین با کال تعجب پیرسید : که خفه کرده بود ۲ خاطرش محو شده است؛ بعلاوهٔ عثقی که بشوهی وطغام اما التي استلد الهمماد كرد غياب (براسوبل) بن الوبن إرسيد : (آشوان) اسم يسر شعا است؛ المستجوَّاب داد : بلى ، ا إن اسم حقيقي [تريلير] اللت • طفلك افلا أم و تبعب اصلى خودش وا حفظ برميد ; آخر ﴿ إليوبل ﴾ هين انداي تكره: { كرده است . المحمد ال ی پرسید : از کی تا بحال معاو دا (ویلبر) بی (دوبراد) این جنایت را مرتکب شده است : بین امن جوالند ا ، خان این جنایت این مرد ، این جنایت را مرتکب شده است : المراب داد : قررت المي داند : (ز بلبر) در الم طفوليتش هم ، مثل أحلا ٢٠٠ مخبوب و طرف توجه عامه ي بود ، ولى تلبل و في اربيت بار آمد، وتنبي كم او را ب در س بالزد سالی به یک از مدارش اطراف بادیس .

كف: : بل ، معلوم شد كه كار (دور لا) الت المن را معى داه . كسى بخاله أو أمد و رفله إست ، هيچ أشاله هم مسحفت أو ما و (براسویل) بتین دا شلیم که المحمول عياج أشاله أي له بتوالد او را أورد شوء اظن قرار دهد ، وجود فبود المساعية ما في الم الله الله الله برسيد : (قوبرا) بند از آن به گرد اي

محسحات بالخجلدين سال أورا نديديد واستشعم

[انتقام خواهم كثبد فبن التقام مي كشد فبن شها] ايست سال رايسي مسال ديكر هذ سبر مي كملم ولى عافدت اللغام خود را از شها می گیرم ا م در مقسابل بدی شا ، بدی خواهم کرد ، ۵ ، من برای دشمنی کردن خلق شده ام ۱ . . کلری خواهم کرد که بیای اندست امد . بکمك پدرم که در این موقع وارد اطاق شد و بکی از المربع لوين پرسيد: (دوبرك) خومند د م. از غررهي

المعادية المعادل ليكر أن المحالية

آیرانی ها ملق خطله بسیار قدینی و بتول خودشان قدیم ترین ملق هسکه دارای حکومت منظمی بود. و شان و مظامق در دایا داشته ، این نکر له نقط ادر مقبر طبقه طلى و با سواد ابن مات جابِکير شده بلکه محکوچکترين مردمان أبن تملکت هم بساين خبال می بالند و بنا بر همین فکر مشترك مل این که ایرالی ما خود را بر نیز و بهتر از

در اروبا شالوده سیاست و تنجدد معلوم است از چه وقت مسکدارد. شده در الكالمان از ١٦٨٩ و در فرانسداز، ١٧٨٩ ويا ولاخره از ١٨١٥ ميتوان كيفت كه رئوس "مسائل سیاسی و اجنبای و خط مشی ملی مشخص کردیده ولی در ایران هیشه ابتدار) اوستم شروع كرد (المحرد (المحر المحر المحر المحر المحر المحد المحد المحد المحد المحد المحد المحد المح در حالتی که حایر مال هند و اروبانی (آربان) دانیا در فکر جبز های تاز امهوز ر كارهاى قردًا مشتند ملك أبرأن تحو ومفتون د.مان باستانى خود ماند. يتهمان طرزوروش ا كدهنه فكر ميكاند و حرف مينزند . سبع به الم الله الم الم الم الم الم الم الم ی پیش از ده قرن است که در ادبیاش تلقطهٔ پش و پیش اشده ، رودکی که درخیهارصد ا سال قبل از د راسار د ما زاندی میلرد. امهوز باز اشعارش بذوق مات ایران می چهد و به ا ابرائىلات مىدهد المجالي المحالي المحالي المحالي المحالي المساد المساد المساد المحالي المحالي المحالي المحالي ا المنافظ و المعدى كه قرن ما از زمالتان كذشته مرجه كمته و نوشته اند جنوز هم به قلب ادا و حق ادا افراد ارانی می نشیند و منبع جاروا داری نیست که اشمار آن ما را (بي أراطي) ميكوبد أبرأن وطن محبوب مشمو است - در ابن مملكنت هيچ تعبيرا أمن كلد ف طرد فحكة و رؤش الحرير و عبك بان إين ملت جان أست بحك ما يش اوده و هينطور هم خواهد اطاند (بيلند م م ام ي تسل بيليد م 🗲 وبکنور برار 🗲

الم حود بح الم المجواية) دير وز الوطنة عده كه ترجان الدوله بجاى شامناد: سهمام اللك برباست كاببنه وزارت مالبه منصوب شد. الظر باملاع محميمی که ما داریم آین والمقلدي الممكل النبط وتجش وتتبدع ال جان تبه بلو اين العلى داني قعده . متحد العال ... متحد المال ذيل أزطرف دكتر مليسيو معادرين ماليه ولايات وابالات صادر شده الت ايراى ابنكه از الحبه مايورين ماليه ات و ولايت در بك يجدن دوائر ماليات ستنيم و غير مساقيم و خاصحات سوءتفاهم ومحض استفاده كليه أمضاء اطلاعات ذمل بلاغ و دما اخطار مشود که تمایتان را به تبام شعب تلحت تظارت واختبار المجواهد بود خود چطوری که عموم از آن مسیوق باشند

الم متعدد ال بك الرجن عوالي منبور تمركز درجع عابدات و ترقيعاقندار قوالر مثرقة وتخفيف معارف وحق الامكان بلوكيرى ازايجاد أخلا لاحتاق يتعليقات و مستوليت إفراد استال وي مدم ما مد ۲ ب باکابهاصنباه واجز الجمازماليسات ساقیم و غبر مستنبد و خالصه چات بطور قساری و اتناس وناخد مامه شده هر گن خدمات پرازنده و شایلی مو علود بروز ف ظهور دادم در موقع اخود مجنوط به الرفيع رتبه نائل خواهند شد ۲۰۰۰ - اعتداء و اجزای م بلک از وابر الانه اوق استعماق التقالية والمعرقك ازيست جلى خالي كه الباقت، الحران والمقال الي لي و در وزا رت مالیه محقق دود ا مرایا ٤ مهجبك از اعضاء و اجزاى

لوین برسید ; آن عکس دیکر از کیست ؟ جواب داد : عکن شوه، من است ، اسل به ورسيد في شوهم شا د جواب داد : بلى و تقريبا ساسال قبل مُهده است آن وقت از با حرکتی کرده بسخامی به نشست معلوم بود که از زلدکالی بی زار احت . ای این ای لوين كفت : اسم شوه شما چه بود ؟ وب از لحظه ترديد جواب داد : (مرزى) لو مِنْ فِ كِمالَ حَبَرْتَ مِرْسَيْدُ ; ﴿ وَبِكَنُورِينَ روی) وکبل مجاس شوهی شما بود ا این این ا المحظه سكوت "تحكم فرما شد لوين هنوز تنصيل را که سایتا از مراد آین وکیل شنیده بود . بخاط شت • شسه سال بیش در آراه ارو مجلس شوری (مرژی) . وكيل ا الوله منز الحود أرا يريدان كمرده بود معبج ن م علت این طود کشی را ادا استه و به کنرین الم المردن الا مدالي اذ طلا بود ولوين خم محديرة الم مجازات الا سماجت مي كلد المراب الموين] بده يك

دما هم فبراموش المرده الميد . جواب داد : بلي ، " هيپروةت فراموش أميكم ور الد : (والد) مم الم في مخاطر واشقط فرد كفت : خو ، ﴿ رَبَابَر ﴾ وقلى حكي يدرش اناحار کرد ؟ مفقود شد. بود و خندین سال بود که ا از دیدارش محروم بودیم • شوههد پیلت شخصوصی با، وجود این که او را بسبار دوست می داشت ازخانه بیرونش کرد^ا، دونه به منتخب از از مرد کرد ا ارسید : **بیچه عات او را طرد کرد ا** مادام (مرزى) درجواب لوين . دُمَانَ كَفُود ا جنين كشف أراني كرد : عربي م استعاد مي يتو المشا ﴿ اِيسْتُ سَالَ قَبِلَ الْمَ مَنَ ﴿ كَلَارِيسَ دَارِسُ ﴾ مود و اقو أمم حیات داشتد . بك روزی در شهر (ايس) سه المر تجوان را ملاقات كردم كه شما الم أهم سَه آن جا وأ من حاليد : أ نامشان [الكميس: توايرك 1 . (لوی پراسریل) و (وا کتورین مردی) ود و هر سه با بان دبکر دوستی داشتند , چون در یک

· Y Anin

المعالى معاير أصحتر من الملك الله الله الم المركبة الذي ينهم إن الم المعاد والملحة المان المع

آیا در ایران یک ژن یافت میدود که توانی ورض خوب را بدهد ؟ آیا سخیه یک زن

a water a complete many static a proper static a second static and a second static static static اکتر یسی که در ایرای ایس • آواز می خواند ، عنق مى ورزيد . (ممذى) و (دوبرك) جانى من كوف ، جشائش مثل دو كامه خونين شد. كرد ، بمحبوبة خود مان آوازه خوان ايرا را مرة، يكل ممديدات و كليات خشونت آ ميز اوارا فراموش يودند . ولى من الا عان زود اول به (ويتسكلورين مرژی) مایل بودیم و او وا دوست می داشتم ولی أبن المابل را إز عمة دو آن ما يتهان تموده و مدتى آن دو را در بَبِم وْ الْمَبْدَ كَدْ الْشَم كَاش از 'همان 'روز' اول تمایل قلبی خود را اظهار کرد. بودم ا اچونکه الميد وازى (دو برك) كه بالاخر، به توميدى منجر شد ، کینه رقیقش را در دل او جای گیر ساخت) ... (کیلاریس مردی) در این جا الدی تسامل امن بیافنید اوکریة کنید ا) (ویکمتورین مردی) كردية و پس از جند ثانيه بسخن ادامه داد : و بخوبی بخاطر دارم . . . روزی مرسه نفر او کر های خودش . او را بیرون انداختند . و بکله دو الاری نشسته بودیم محفوز کاماتی را که [دوبرك] و نیم بعد عروسی کردیم . آنروز ادا می کرد , ازخاطرم محو نشد. ۱ [ویکتورین] ا از حركات او متسجب بود م هيسج وقت چهزه رفيقش المحالمت الكرد ٢ م م م مشارك الله الله الله الله الله الله را آن طور وحثت آور ندید و کلیانش را آن قسم 🚽 جواب داد : خبر ، ولی مان روز عثروشی آن کینه آمینز نشدید. بود . (دربیرك) .تل حبوالات (لوی پراسویل) كه با وجود تمانیت (دوبترك) در

می شود و هی کیا. از میسان مستخدمین امريكاني أنعلى اللخاب شود اين سمت بوبج وجه تغاوتي در شرابط مندرجه در مستخترات قبل إستار إليه وارد أنخواهد كرد اهم أز این که بانجام خدمت "ووظایف معینه در مادم بدوم - خزانه داری کل مادور دُر یافت و تمرکزگلبه هایدات تغدی و چنسی دولت ورجع آورىءوايدكليه مامورين ساحب تجنع و.كابه وجوهى كه بموجب قرار داد و امتیازات بساید بدولت برسد سراهدیود کاده چهار م 🗕 کسلیه عوابد نقدی و جنسی " هوات باید بس از آم وزیر مالیه و تصویب ارتی**س کل** مالیه بمصرف پرسد خیج مشکوله عبارج مملکتی اعد از نندی و یا جلسى تاديه لخواهد شد مكر بموجب ورقة ادر خواستی که صفت خرج مل آن قصدیق شعه والدر حدود اعتباراتي كه ممه خاله مجانى شوارى على المصويب أمني المايدا مادر محکودید، باشد میچ خرجی تادیه الخواحد شدرو . هیچکونه اجازه برداخت جدیدصادر ا از ماده ما شد. به مارد ما مدره مید مد لمخواهد شد مكر ايتكه يبن اذ وضع جلتم و متعاو شعوا لجالبك قبلا ساجر شذه استخداوم قوه سبکه میلنج و متدار لازم برای برداخت ا المواطات بجديدة مواجود لست المدام الم ماده بنجم ـ ممديق و معليق در خوباديته هاى مذكورة هو مادة قبل ازطرف بامون الإماموريق بعمل طواعد أهدكم يرحب بيتنهاد ولمبئ ال مايه، و تحويب وذين والبه -مسين اللى شوقد مأمورين زمن برو بايد ازاجزاء اداره خزانه داری فی ابوده و در تحت از ابن است و بلته نفر موجه تواندمومید. ا ابتود . ام وماملونيت ، خواله دار في قب لمند مادر قدم عليه جم وخرج عواند علكي · اهم از تندی با جنبی در طراله داری گل انتاهداری شده و تمرکز می ابد و همیده براى ملاحظهمندينى كامامور وسيدكي آن مى شوند ماده مقلم المسكلية عامة وين ومسالخدمين ساحب حبيم مك عيد، الوار وضول و در الفت هوايد مماكن لمستلد لكانند كه برحسب كتاساي محرالة دارق وموافق مداور مشاراليه م محکو الاطلامات و جومنید ان راچها وسول ی مصرف هو المد مزبوره راکه بر ای طرانه

ا النباع : مطابق قانون استخدام مجمازات خواهندشد ماده هشتم هر مادورو مستخدم صاحب جي که بر خلاف مداولماد.[-رم] ز الحويل عوائد وصولى حود بخزاله دارى طبق قانون استخدام از اخذ حقوق التظار وظيفه القاعد محروم بودة ومطابق قوالين البواتي عكمكت البواعياوات خواهد شد الا ماده المهند -- برای اجرای مداول واد أوق احكام و تظامامه مای لازمه از طرف رقيش طرياايه تهيه شده ويس أز تصويب وزير أماليه لازم الاجرا خواهد إود في الله الم ماد. دهم 🕹 تکیه قوانین و تظامنامه هاو احکامراجمه به تشکیلاتمالیه که تا کنونوجود داشته إستاو مخالف ابن قانون ياشد از ابن اببعد ملغى است ماره ازدهمساین قانوناز روز تصریب ن أز يُفْعَنَّهُ وَرَقْعَاجَرًا كَذَاشَهُ خُوَاهُد شَد وزير الماليه مامور أجراك آناست 🖉 ، احمار سحری اند ا حقوق جدى مدارين باله ال

بالجون الل حبب تعقيم الحكتر العليسيو ستخدين دولى بدو، عنوان محقوق نداد . ميدينو ابع سنته هر مورد مدارس القوليد اشتالاتي حكريده بود ، وزارت مارف بده ا مدرمه الدريين كند و بايد اخوق خود ارا عياما غريافت الدارد والمدارد المدارية مراجع حر النبعة سوديع مروار حكو مطبقيون أمرناكرى حقوق أمطميلي كالمحاو سيند وهرسا أدريس ميكللد فياما يرداخنه شود بالمه بنا مر این نماسین مذکر بابد ا ا مرور هو اداره، مندوق ورارت مالع اب ورقع مدرقي از مدين هن مدرسة محاضر شده حتوق خود را معندا دريافت مارند كمشيون قانون استخدام ممليين adia to the the bar to the man ديروز ببرحب ام آقاى وزيرمارف کی مرکب از دو نفر از معامین

الم عداداد بالم

مدارس عاليه - بك إنه المحديران مدارس متوسطه _ یک نفرانزمدیرآن مدارس ابندائمی دولفر ألؤ معامين مدارس أبتدائى بأحضور آياليزر ايس مارف - رايش تغتدين -رثيس بدشكل أفكبل وطرح وشلهادى قانون استخداد مامین را کے از مجلس برای کر آناریه وزارت معارف فرستادمشده بود مورد مطالعه قرار دادکه نظریات خود را بمقسام وزارت معروض دارد ... المحمد المريد الم

اجلسه دوم گمسیون مزبور آمهوزم الساعت أبدد أز ظنهر أنشكيل الحواهد شد حقوق مملدين كيلان

بواسطها ختلاقاني كهراجع بديوطي بلجشاهي وليد شده ود وزارت ماليه للمسكرافا ام ارده آست عوابد وا در بالک گذارند و به هيچ مصرفى ترسانلد اينك شكايات متواليه از رئیس معارف و معلمین میرسد که تادیه حفرق ها بعهده تمواق إفتاده و أصحر بدرتيب كتوتى ادامه كند عنجر به المحلال مذارس طواحد شد قر يب بانعلال از تبريز بوزارت سارف رايورت ميدهند کم بواسطه وترمیدن حقوق معارف و جدیم ماعدت اداره ماله مدرسه الإدبيل قريب الحلال أرت المرة من المراجع المراجع . بر دسته دیک قاتل ، شده ، لار ،

المكومت بوشهو بوذارك داخله مرابورت ا ميدهد كه مخلودين بقتل مداني خرازي وا فستلجر وقبلا ، در ، تجت استنباق می باشند الوجل غايد توضيح حاديك شعلى شهله في از آن بكر استنطاق تعلم شب وايوت داد. تقامناى محصلين مدرسه حتوق درخى ازطرف محصلين عدرمه حتوق بنام والمت وزراء خنام، عديم تبدء عبى برداين جون كلترات سويتقر مملمين طدراسه خقوق ا تحويب يجلس محضنه و مخارج شمافيه أنازهم، حواله شده است مستدم است المقرر داريد مدرسة مفتوح شود و يك عد از صلمين ایرانی که عهد. دار المریس ایک قدمکی از بروشكرام مذرسه خواهندبودشروع بهمدريس بقايند أا إينكم مامين أروباني وأرد شده و دروس نیز امونع خود درس داد. ماير

المسونة فلك بلقو (از عمليات آ رسن لوين) او یعن است و اکنون خواه د دیسد که جکونه بی از افتاد ، حمین که جند تا نبه یدقت به آن نکریست با نوميدى تيام ازمن استمداد تموده است . بكيريد . این است مکذرب او ب زن مكتوب را گرفته و اين چند كل. را از نظر كذرانيد : ﴿ ارباب ٢ إمان ١ . . . تاف معي شوم ه . . می نرسیم . . . امان ا . . .) آن وقت بی الحیار کافید را رما سکردن': دست هایش خِند مرتبه در هوا حرکت کرد ند او متل ا ابن كه منظرة مشقوم مقتل وا من لكرد " لعظه به يك كوشة نكا، كرد أو عاقبت بي هوش بر زمين افتاد من الرا يوشيده [. شبلج] ليست الما ال م الم طفل باكال واحق خوابيدة مود ... ولى مادرش در روى البه مسكق الملادة حركت شما كرد . لوين الأطريقه قنفس فر يرك سورتش ادالمت كه بزودى يهوش مبايد [زبليرى] كدتمهم به قتل كرديد، ومحكمه خم درتمةيب ا على في سيرده بود ، ا

داری کل لازم آمی شود بدهند ودرضورت

آن را او از از خبك آباشا کند و جون روی دیگر آن را جر کردا نبید جشمش به عکی مردی جهل ساله و چمری جوان ، که لیاس شاکردان مدرسه را درمی داشت مَرْتَبَهُ دُوْدُلْ كُفْتْ : آه ا فَهْجَيْدُهُ * * هِنْجَارَهُ عَادَرُ . • بر از بعد دست او را در دست کرفت و دا است که بدنش که که کرم می شود. طولی تکدید که چشمان زن باز شد و زير لې کنت ; واك . . 👘 🖉 لوين كات : واخت باشهد : والد خوابيده ات . خاند کم بهجال ۲ مد ولی حرف تدی زد لوین برای این که اورا- بصحبت وا دارد آمدال طلارا کشان پزسید 🐔 این پیسر خوا نی که لپائی شاکردان مدرسه الم أن از ابن سخن بخود لرزيد، جواب داد : بل حکس (ژیابر:) پیشر من است می پیش بزرگ من 🗧 این بیس معلوم شد که او مادر (ژیلیز) است مان

شاره ۲۶ مهد		مر د ازاد ع.	1	1.18 pip
	ببكردة بذبرائي هاىشاياني ازرطيف سكنج	كرد ك بن أرس دارم دولت المكابس ور	باينكتن بالمكتقداني إولاك كمجومت الملاميول	برای این که اراضی آلیان را تهنایه نیا.د
ساوتنی اظها رتشکر اموده و اطمینان خو	بعمل آ.ده و در اطق مائیکه میشد:سماید	من النهرين در زيمه طفيان إكر أو داخل النهرين در زيمه طفيان إكر أو داخل	the (10) glade trans -in the star So	مه شرایطی می خواند کالنه (ر)
در توسعه ماسیات نیزدیک اقتصادی این	مات فتهالى را در ادامه مبارز.	المناع متود	alles Take ellosites the	Unand gene
مات دوست ایان کرده ایمیتیمه آیند. ا	در واه استقلال خاطر اندان کرد. و ان رامنته که استفالال خاطر اندان کرد. و	بالکمز در طی لطنی خود با مشتهاد م به با در طی لطنی خود با مشتهاد فوق موافقت کرد و اظهار گرد که اهالی	ت اعتمانی بس مصمت بانا ورروف مبك دلیس كمبر های ترك در تجلی آ انر.	باربی ۲ – بوالکار. در طی اظهار ۲ کینا مالاما میں – بوم به کمیله آمور خارجه محلی جاین اظهارداشت رومجال محلی نوبا موجو ایند مید ویند، زمان
Here india assignments and the acting		اوی اوالانت کرد و اطور کرد که اهای او مرتبط ن ایم وه توسط ماند که انگلستان در این این اللهر من اصور کمیدنند که انگلستان در این	وضبحات مليصل راجع ومذاكرات ملح داد اد	
مسكو M - شوراى مشاغل ومد بر يقد العمر به مشكل الله بري بري المالية الم اسم بي بي با ماري روس و شرن بو الم اسم بي بي با ماي با ماي بي بي بي	منهایی کردنداست الظهاد بشکی می بر میلی معالی کردنداست الظهاد با می بید الد معالی می داده می معامی الما می بید ا	المرجن الدون مقاطرية فحصر على وخالت مالكاته	د برحب الحلاظات أوا بن [ماداس] دور	مله اعن اما ارول و من مدينه من من مدر الما هذه الم روهن ۲۸۰۰ کيلو اتر من م در الما مده ايما بر مارال الميد ما من من م در الما مده روهن و ۱2۴ کيلو اتر من م م
مقصود از تاسیس آن ایراز مساعدت	A log theme of I she life to the she	ב הוצרינטולטי אינונטי אי אומריי אבריון	شنبه (دبروز) مجاس آنقرهٔ بابد تشمیم ا	روه، و ۱۷۷ کاو متر مرام در خارج
ازدیکی و آنصال اقتصادی روسیه با بخار	. ورشو ۱۸ ـ وزير خا ر جه الهستان	المستنذخ تجليان حجابيد مكوجه ابين مشتمه مهاعديه	المعنى "التغاد" في الازين المراج	الحبة مذكور من باشد . در الجاعصابات
ازدیکی و آنصال اقتصادی روسیه با بغار حوارزم و آبران و عقمانی و آفداند.	موافقت خود را باشروع مذاکرات عندقرار	كم ايين، المرات الحوادي دور، جلدوستان لدارد ب	ار الم ومريد من السوالة المان مناسبة الت المعتولين المعني الم المعتولين المعتولين المعتولين المعتولين المعتولين	و کسر کار ۲۸۳ لفر از عمال قیم دواق به مرکز ۲۸۳ لفر از عمال قیم دواق
و جبن د ژابون است تصویب آمود (ب .	داد مجارتی در ۳۹ فزریه به رفیقابواسکی	رج المكوفين اظهار. امود كدمن أنا يحتمال.	مالى الد روار ٢٠٠ ، ورز ٢٠٠ ، الم عنه وزرا .	از ناحه روم اخراج شده و کې لغر از مستوری اخراج شده و کې لغر از اداخې رن تبعید شده الد و جای آن م
mailings waity waith where it is the like	ماینده مختار ساونی در ای-تان ظرار داشته ست · ن روزی در ای-تان ظرار داشته ست · (ب ۱ م)	ورافق الجام فركز در المحية محمدة بودوام تولى الم المال مخالف بها . آن بوده و. همجكونه، ممايات، ا	در تحت اروا من محملي كمان الميا معكول وارا	ادامی رن نبید شد. اند و جای آن می از از مرا از م
سا اور امریکانی که از طرفداران معرو		الما يتي را المجر حرار آن داخية مجاوزالقديما نم دو، ا	المالات معتمت بالما رز المتعاع كرفة "از "قراز"	لماحدة رومرحاليه روزانه مفتاد قطار درخيرك
مبيقه بالماري بي مناعة من مناوي معدو في معدون معدون	مع مع بنا بنا بي مان الله الله الله الله الله الله الله ال	الماسين بدؤارد بود كه افولت ازتم داتخود ا	المعلوم كوت بعاق عددت واعد الراف السمارات	مماشد در موردیکه قبل از نسرف ۲۷۰۰
اروبا رفيق ليتوينف كمول كميسر خارجه	اطلاع مبدحند دولت ژاپون تصديم تموده	المرت به بين اللهر في صرف اظرية كند ، ب ب ا	طويق احتيكا بداسة المصحم وم روس واله	قطار در جرکت بود. الد و تاحال ۱۰۲۳ م
مثار اليه دءوت نموده احت حکه برو.	المت كم المتبازات تعالده وساسم وله در ورد	C . Da . C . C . I	م الم من المر الم	اطلق ذكال سنك به فرانسه و بازيك فرستاده
مدافرت المايد ، سلاتور مشار البد حواب مساعد	د فيق ابو ته باحق استفاده از رمن قائل دود :	المترقة بالمالية المالية المنالي واردم بع	به روزنامة خود تلكراف لمي كلد كاز	the Collector making plate states
داده و قربار است که در همین نزدیکی مهر منابر سالمه میرید مامانه از یک کر	م الوقع سين كويل بور وخبرب -السجد	به الاتسر - از شجه اار منبقة وتقارس	ملاقات تعانى با كال الإشارة عشقت الماشا الجنبن ا	the table of the state of the s
وارب ووسه ومكوكردة و (ب مير)	المستهامج فلكر بشناجتن فوينى روسيه ساونى	كه قد اطاق جارد المرد أوتان حاسن) الم	استلباط كرد. است كه اخامال قولى المي وتوديه	حالت خشونت و،کشبکش در سرتاسر
خداند وعلقه عناق و ولمن بارسط ا	لمار ادان تقدیم ا موده است که ضم ^ن اابر طبق ا	بنده است یک مجمه عبرترک طلاقی آست که	المكر المبد البعة المن المراجع المعام معام	تلحيد روهي بي شدت جود معافرايد دردر
دیآدی مظلماسی تک وزارت خارجه محطانیها عنیابین را که دولت در نظر کرفته است.وا	الن يبعد فاج مسلئل فاح عام منظم منكوم وتمادر	المشرع ارتقاع و جهار بالطول وارد و ف		ملدرف اعتصابات عبومی درای اعتراض متصلیفاتی سالی، ماهمی زیرای اعتراض د. علیه اخراب حاکمکور: کون کا اعلام شده
سیاسی با دولت ساویت آیجاد گلد و ع سیاسی با دولت ساویت آیجاد گلد و ع		محال جاين عبير أقدى كمن المدة الردة المنتين	لندن _ وزير دفاع حكومت بين البرين ت المارية وينابط بالمرابة ع التار در لندن و منتظر تحميم دوات	بر هطبه اخواج حاكم كوريم كين) اعلام شد. مر معليه بن بريج عاكم كوريم كين) اعلام شد. فر ر ملين) رئيس و متر دا دستكم انموده .
دارد هيات سياسي بروب به اعن اسعار سيك	د من جله بي المحدة مردد (ب : م)	و ليتاليدور المراجعية الجواهيات سلطان أشب مود عين مان از مساير مشكر متحلة اوغ تابشر ا	الكلسةان اراجم به آنده بين النهر من است در	الزادي ماري مريكة الر عر مديرة المارة المارة المارة المارة المريد مالة مالة تسبع مال هم مالة مريد المارة مريد المارة والمرود والمرود من المرد مارية المت والملاوم من ما
اكرة المت الم معان الما المول وف	ومعلار المر المحد علك الملسادي كار	مدود فارت آن از مدور متعینه اوع سیشر مسلم بن الحین مدرید ما میا با مختر مدر الم مارچ خواهد بود ، هده المری مجمعه الحای	المناسبة الم المسلم الم المسلم الم المواد المسلم	المعاد وروابط المنتجا بالمعاد عامي المعاد
	and the trade of the second state of the second state of the	مع بديد المحد العرب بالفاري بن المالغ، عند عند الم حنيات و كوز مما و ظررتهاي شراب وتجسمه	المخلبه فورى بين النهرين توسط الكاستات	معليات كراية بالكواى لاحيه (ميز) تسليل
If at letter the star star &	3 Bels me is it is the build and the cit	مای توجك ظریف إدشاه كاروی شوقرار	اللي وخيي را در بر خواهد داي دوات .	الله، اليت 10 (10 K (10 K)
ادارات و مدارس تصادف مود لاغرا ب	بعد الميات و شعن ولاء ما الما روار التلا فضر باينكه روز سه شنبة به قسطول	لم فقه الله فيدا شدم في باطلا متد اشده و هر.	ونالله مد معلمة معلمة معتقدة مع الكتمان از • آن ا	
Her wan car new ter the top the	The second states for second states	ک تقریبا یک با ارتفاع دارد حفاو ها .	الك " توافق المان أو المتعوار المتف كر بنه م	مد الان حدر ديندي کا اين ميون العليس
11 1 1 1 1 1 1 1 1 1 1 1 1 1 1 1 1 1 1 1	المددات عدد والقتادات من المالل هاد اعر الله	فر يكي از جابه مايك فود. جواهمات فودي	- On Gurden A Carlo Charles	مرايد فنتجميم في دوموري المؤام والمته
مال مد خارمه مال آنا ب	ممانه دار النون خاضو شوند - المالي : حجه دار النون خاضو شوند - حجه دار النون خاضو شوند -	المن كرديد الد مح مر روى ال خا ماليان	مد المراجع و متعالی مراسی مراسی المراجع و مراجع المراجع مراجع مراجع مراحی مراحی مالکه و مراجع مراجع مراحی م	مع المسالطة م الدين ما حجة ، يحن ورج
care internal a my culpit at & blass	Um To with Hard on the str stone many lines !!	مر مستخرده الله و در اطلی حای جاور مرابشة مساول الله تند الم تورده عالی غلو ا	المانية بعامي ازخود والمندادم و لدينو الدحلات	د بودی کی تدوینی در مع المام مایته است. محکوم د قامیت کی کرام المان کے محموما
	الجيدالي المتع آودة عاق وتدرخا معاكداردة	ماريد و الوان فشلك المايي عليه ورومه ما ورومه ما ورومه ما ورومه ما ورومه ما ورومه ما	طکران را به شخصه دفع نهاید ولی بس از میکران را به شخصه دفع نهاید ولی بس از	والد حال المع والله الموداد المريع بالم
ابل الماري المحالي الملي والدوالة فالأ واله		الله المراجع والمع المعالمة المحمد المراجع الما وما الم	طلح في عنياني و. تصويب قرار داد اخير بين	مد كور الملاحظة الكردن في سرما ود داران اللان
اجذبات اروبه عسبا حكم المنح كارت بسطار الحارا فك	- الملكة ويلوكي السينل اعده المطروس متعده	بکی از کشفیات حالب توجه قخت تروالی ۲۰	الكليس و ين الورين أخلبه أن علك عكن	باين اظراد كربا لمي توالد افراما تردا .
الم الما يعلمان بالملايت السابقة ما شانة الل عارًا لوزام مكاناتي البتر الحربيطة و قبر وش ميعتاييمة الب المعليه	و ادار المعالي ما الما الما الما الما الما الما الم	المت كد در مواقع مابتن ما و اعباد تلا من	و بالخصر قواى هوالى و مستقاران الكيسي:	بسروازيد كاركران المان والفي ب داده
المعالى ويتر حويد و مروس ميتيني ما به المار الأرو الأراد الذهر به المرار المعالية المارية	في تعكينها لحدة ماغواده من الما بالد من الما بالما	وق مقدم الراروي الق من المستخدار الداوية	كا الألمان المحديثة " دوالله " خل ال " الحواهد" بواد الم	الله واه جل که امرای تصغیه مسئله مذکوره ا ی کی بین این کالیه زیار به بینیو
المراجعة والمحت المحتجام المحاصل	which with the flat & temperature	بقال تارك ال بال حلك بوطات موارع	مرتقع خواهد الد - ما مد الر رب ال-	بظر مبت اعزامی میرد این است شکه [رو مو] در حت تقارت بین اللل فراز
A Just A Real Com & selly light as	جرن ميسوكر بعلو في بالدة 14 فالله است	مر) المين عليد. المت المنه ممايته وكان - الم	To the To the Later and the fair	کرد ولی بوسیله خود کمان ما امور ۲۱ ق ^ی
the e below he eting luni & the mi	white white tells we have by the side and	و عکس ار داشتن کار مجمع آوری آین اسیاعه ا هو سال طول خوابهد کشید (ر ع) ^{مهر}	به در است مناکر ایادر جلی مبدر نان ا	الميه الدارة الدودة والتعالى المانية المرابع مي ا
to anythis which all a fire of the	Me And Hall with here	مو مال مون مو مد الميد المي المراج الم	ورژ لامبرت پیشنهاد نموده که مستو لیتیایی نه	
inter The distance in the start	1. 1. 15 11 40 40 40 4 4 4 4 4 4 4 4 4 4 4 4 4 4	الملامبول الملاد ف در	اناسان كامتهن خارجات زيد در بينالم بن	
d better in the trained let	- Lind Law Brat String And I have	ضعف الخبار عدون المحكو إو أبتده يود ور	است بمعنيف بافتهرو الغواد المدد وادى أموده	و الله الم
6 PTETHERE, MCS. TO	I land and taket & methods while the	يكى الد وكلاي منظلون ، (يد المروم المن) المعلي لا ح		
in the second of the second of the	the south has it inthe main lithe		تشود . بلسارلا از مجاس تقا ما کرد که این .	
S Lits ich Ch Land Land	م قرضة ١٩١١ دولت البران م قرضة ١٩١١ دولت البران م يتعارف كيالى الفت جنوب م ملطانة خديد	کند که اقلدارات روحانی خلیفهدوبار. برقرار	بيشني جدوا فبول تجايد منه ه بالم	
Feld to a set The all parts we are	• تعارف همانی افت جنوب معالی است. ماند به دیک می افت	شود (تاسبه) المنه (د) بال	آبتا آزیرا (اثرات آن قر صلح عایاتی و آبنده کهکاملا بالین مسئله مرده است مشهدد	ما دو تحت مطالعه قرار حوا هد داد
et l'a l'ar a la a l'un a	a light from the start way and the	مربع المربع ا	آذود. کیکا، از بالین مینای مربوط است مدورد خواهدبو د کابینه انکابی به این مدنای یك نوجه	
Jal alle spin, it plate then you t	HIGH deal Why tes of the st of the	الم المجرور المراجع الم	عصوص درشه و بك نظر های وسیعی دارد	The : (Itelle) to price and have
LA FAR THE & A HE - CAR HALLA	I share I think had a shipe to the has been to	he as the set of the s	and the second states with the second s	
		The state of the state of the state	بيان كند اين پيد:ماد رد شد .	ما ی است کا بطوری، که جنو محافل موثقه اظنوار ا
(There was) as the time	لندي مكتوس ج ٢٩ - ١٥ ، ٥٢ - ١٥	لأنفقا أستنبم محكورته الدكادر اللخابات شركت		میشودمجلس ملی آندر بیشنها د هانی را که عصمت . ۱۰ با در ماراد زاد اقدار هست ده اینت تصفیف .
مراني مدار به المعر ميال منه	۲۵ ایکر اولی ۲۰۰ - ۲۵ (۲۰۰ - ۲۵ - ۲۵ - ۲۵) ۲۰۰۰ - ۲۰۰ - ۲۰۰ - ۲۰۰ - ۲۰۰ - ۲۰۰ - ۲۰۰ - ۲۰۰ - ۲۰۰ - ۲۰۰ - ۲۰۰ - ۲۰۰	التهايند . والعد الم الم الم الم الم الم الم الم الم	تباللت خطير الى را أهر الغرا كراته أو كويا	
مربق، به ۲۰۰۰، المام ما مع ما مع الم	TIN the man we have the course	it the state of the state of the state		
الدر الدو المال المعاد مرود بالم		الاندا بازمير ١٧ – عمر روز بالزد هم	· · · · · · · · · · · · · · · · · · ·	
h half on Rain Minister the heaven has	رويه سبلي الماسية الما	فوريد. رفيق أراء اني الماينده مخاذ دولت.	الغابة النابية بلكه از طربق موصل احت ب	باقی است شهینه نمیوده و به مآولانشای کنفر انسی ا
	4	جهودي دوس در المره براي شرات در		اوزان، اربال اخوامد داشت ، (د) ، ، ،
	be Srahout i the de	کنفرانس آقصادی [*] وارد از میر کردید در مراد کارد در از میر کردید		
18 The main of ((into) all	month (the place) & denie w		های اهالی کاملار در اظر کرفتی شودواشافه [حبل الطارق - اولين باطالبان قشون ا

小学研究の

